

روایت قطعه‌ای کاشی که با حدیثی از امام صادق^(ع) در معماری حرم مطهر رضوی به کار گرفته شده است

هشت‌پَر زَرین در بقعه خورشید هشتم

- زرین‌فام؛ درخشش چشم‌نواز کاشی

زرین‌فام یکی از دشوارترین و درعین حال چشمگیرترین فنون کاشی‌سازی و سفالگری ایرانی است؛ شیوه‌ای که سطح کاشی را در طیفی از رنگ‌های قهوه‌ای، سبز، قرمز، نارنجی، زرد و نقره‌ای به درخشش درمی‌آورد. این جلوه، حاصل استفاده از لایه‌ای فلزی بر سطح لعاب کاشی است. در این روش، پس از پخت اولیه، لایه‌ای نازک از ترکیبات مس و نقره و موادی مانند گل آخرا روی لعاب قرار می‌گیرد و کاشی بار دیگر در شرایطی با اکسیژن بسیار کم حرارت می‌بیند. نتیجه، سطحی است که بسته به نور و زاویه دید، جلوه‌ای متفاوت پیدا می‌کند؛ همان تألّوویی که دلیل نام‌گذاری این شیوه به «زرین‌فام» است.

هرچند این فن در ایران ابداع نشده بود، اما هنرمندان ایرانی طی سده‌ها آن را به مرحله‌ای از کمال رساندند که زرین‌فام به یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های هنر کاشی‌کاری ایران تبدیل شد. سده‌های هفتم و هشتم هجری را می‌توان دوره درخشش این هنر دانست؛ زمانی که ساخت و پخت لعاب زرین‌فام تقریباً در انحصار دو خاندان سفالگر ابی‌طاهر و ابی‌زید در کاشان بود.

- تلاّو زرین‌فام بر دو دیوار آستان

حرم مطهر امام رضا^(ع) از بناهایی است که نمونه‌های متنوعی از هنر کاشی‌کاری ایران را در خود جای داده است؛ از کاشی‌های هفت‌رنگ، معرق و معقلی تا زرین‌فام. بخشی از نفیس‌ترین نمونه‌های زرین‌فام حرم به قرن هفتم هجری بازمی‌گردد؛ دورانی که هنر کاشی‌سازی ایران به یکی از دوره‌های مهم خود رسیده بود.

محراب‌ها از مهم‌ترین محل‌های استفاده از این کاشی‌ها بودند. سه محراب زرین‌فام حرم مطهر، یعنی محراب پیش‌روی مبارک، پایین پای مبارک و بالاسر حضرت^(ع)، نمونه‌هایی از این میراث هشتصدساله‌اند. محراب پیش‌روی مبارک با تاریخ ساخت ۶۱۲ قمری، بزرگ‌ترین این سه محراب است و ساخت آن به محمد بن ابی‌طاهر کاشانی و ابی‌زید نقاش نسبت داده شده است. محراب بالاسر حضرت^(ع) نیز با تاریخ ۶۴۰ قمری، به علی بن محمد بن ابی‌طاهر کاشانی منسوب است.

اهمیت این آثار تنها به سبب رنگ و نقش آن‌ها نیست بلکه به واسطه وجود کتیبه‌های نفیس حک شده در آن‌ها، ارزش دوچندان می‌یابند. در محراب پیش‌روی مبارک، آیات قرآن در کنار احادیثی از امیرالمؤمنین^(ع) و روایتی درباره زیارت



زهرارنگنه| کاشی هشت‌پر با ابعاد ۱۸ در ۱۸ سانتی‌متر؛ قطعه‌ای که شاید در نگاه اول فقط بخشی از یک تزئین قدیمی به نظر برسد، اما روی سطح زرین‌فام آن، حدیث‌هایی از امام جعفر صادق^(ع) نقش بسته است. این کاشی یکی از نمونه‌های برجای‌مانده از هنر زرین‌فام در حرم مطهر رضوی است؛ هنری که حدود هشت قرن پیش به‌دست استادان کاشانی به اوج رسید و در کنار درخشش و نقش‌ونگار، آیات قرآن و سخنان اهل بیت^(ع) را نیز بر دیوارهای حرم ماندگار کرد. میلاد حضرت رسول^(ص) و امام صادق^(ع)، دلیلی شد تا در سطرهای پیش‌رو از این هنر به یادگارمانده بگوییم.

امام رضا^(ع) قرار گرفته است. در دو محراب دیگر نیز بخش‌های مختلفی از آیات قرآن با خطوط کوفی، ثلث و نسخ کتابت شده است.

این محراب‌ها در طول قرن‌ها بارها آسیب دیده و مرمت شده‌اند و سرانجام برای حفاظت بیشتر از محیط روضه منوره جدا و به موزه منتقل شدند. امروز این آثار در موزه‌های آستان قدس رضوی نگهداری می‌شوند؛ نمونه‌هایی ماندگار از چگونگی روایت مفاهیم دینی در عناصر معماری حرم.

- زیبت‌بخش بنا؛ روایتگر آیات و روایات

استفاده از آیات و احادیث در تزئینات معماری حرم، محدود به محراب‌ها نیست. در کاشی‌های

ترکیب‌متن و نقش در هنر ایرانی، اسلامی سابقه‌ای دیرینه دارد. در این شیوه، خط خودیکی از عناصر اصلی تزئین به شمار می‌رود و به همین دلیل، در کاشی‌های زرین‌فام حرم نیز آیات و روایات در کنار نقوش اسلیمی و درخشش زرین‌فام نشست‌اند. به این ترتیب، مخاطب هم‌زمان با یک اثر هنری و یک پیام مواجه می‌شده است؛ پیامی که قرار بوده در فضای زیارت و عبادت، در برابر چشم زائر باقی بماند.

- یک کاشی هشت‌پر با حدیث امام صادق^(ع)

در میان نفایس زرین‌فام آستان قدس رضوی، کاشی‌ای هشت‌پرو نسبتاً کوچک، روایتی متفاوت را در خود حفظ کرده است. این کاشی با ابعاد ۱۸ در ۱۸ سانتی‌متر، روزگاری بخشی از تزئینات بقعه مبارکه حضرت رضا^(ع) بوده است و امروز در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

سطح کاشی با لعاب زرین‌فام و لاجوردی تزئین شده و بخشی از آن نیز از میان رفته است. اما آنچه این قطعه را از بسیاری دیگر از کاشی‌های هم‌دوره‌اش متمایز می‌کند، محتوای کتیبه آن است؛ احادیثی از امام جعفر صادق^(ع) به شرح زیر است:

قال الصادق علیه‌السلام جعل [الخیر کلّه] فی بیت و جعل مفتاحه الزهد فی [الدنیا و جعل الشرحه فی بیت] و جعل مفتاحه حب الدنیا عنه علیه‌السلام خَراُمَ علی قُلُوبِکُمْ اَنْ [تُغْفِرَ] خَلاوةَ الْاَیْمَانِ حَتّٰی تَزْهَدَ فی الدُّنْیا عَنه علیه‌السلام حَسْبُ الْمُؤْمِنِ مِنَ الْاُثَرَةِ اَنْ یَرٰی عُدُوَّهُ یَعْمَلُ بِمَعَاصِیِ الله

یکی از روایت‌های نقش‌بسته بر این کاشی درباره جایگاه زهد است. در مضمون آن، امام صادق^(ع) خبر را در خانه‌ای می‌داند که کلیدش زهد در دنیاست و در مقابل، شرا در خانه‌ای معرفی می‌کند که کلیدش دلبستگی به دنیاست. در بخش دیگری نیز از ارتباط زهد و شیرینی ایمان سخن گفته شده است.

نقش بستن چنین مضامینی بر کاشی‌ای که قرار بوده زینت بخش حرم باشد، نشان می‌دهد که استفاده از این نوع کاشی‌ها در معماری حرم صرفاً به عنوان یک عنصر تزئینی نبوده است. این کاشی هشت پر، امروز شاید تنها قطعه‌ای کوچک از یک مجموعه بزرگ باشد، اما همین چشم می‌گذارد؛ سنتی که در آن هنرمند ایرانی، رنگ و لعاب و خطر اکثراً هم‌نشاند‌هام دیوارهای حرم را بیاراید و هم کلام اهل بیت^(ع) را بر سطح آن ماندگار کند.



در نبود افسران لشکر ۹ شرق این افسران اشغالگر روسی هستند که در خیابان پهلوی آن روزها قدم می‌زنند. منبع تشریه «د سقیر» انگلیس - عکاس سر کلارمونت پریسپال اسکریمن، سرکنسول انگلیس در مشهد

هنگام حرکت این افراد، زنان، مادران و پدرانشان با چشم‌های گریان آن‌ها را بدرقه کردند و نمی‌دانستند که چه بر سر عزیزانشان خواهد آمد. کامیون‌ها نزدیک شب به قوچان رسیدند و افسران اسیر لشکر ۹ شرق در فرمانداری جای داده شدند. آن‌ها صبح فردا پس از خوردن نان و پنیر و چای از قوچان به طرف باجگیران حرکت داده شدند. می‌شود گفت ناهاری هم در میان نبود، چون افسران ایرانی تا آن روز «نان سیاه» را که نوعی نان جو روسی بود، حتی ندیده بودند، چه برسد به اینکه بتوانند آن را بخورند.

- پورژواها را آوردیم!

کامیون‌ها خیلی آهسته حرکت می‌کردند چرا که می‌خواستند افسران بازداشتی را زمانی وارد عشق‌آباد کنند که زمان تعطیلی کارخانه‌ها و اداره‌های دولتی باشد و بتوانند نمایشی بدهند. روس‌ها افسران ایرانی را به مردم نشان داده و می‌گفتند «پورژواها را آوردیم!». کاروان نزدیک غروب به زندان شهر رسید که روس‌ها به آن «قازامات» می‌گفتند. در داخل قازامات محلی برای افسران اسیر دیوارکشی شده بود تا از زندانیان دیگر جدا باشند. به

هر یک از آن‌ها یک تخت آهنی، رخت‌خواب، بالش، ملافه و روبالشی دادند و کنار هر تخت یک چهارپایه از چوب سفیدویک کاسه چینی کوچک برای چای و آب گذاشته بودند. در محوطه زندان شش میز کتیف و کهنه چوبی و نیمکت‌هایی مخصوص خوردن ناهار و شام بود.

بعد از واردشدن افسران هنگ سوار بجنود و افسران لشکر گزگان، جا برای دویست اسیر مشهدی خیلی تنگ شد. در شب اول، شام و غذایی موجود نبود و هنوز دستور غذایی از مسکو نرسیده بود. از روز بعد مقصد گرم نان سیاه و سوپ آرز و پوره سبب‌زمینی و ماهی دادند، ولی بعداً جیره هر نفر چهارصد گرم نان و سوپ بدون روغن و ماهی‌گندیده شد که هیچ‌کس نمی‌خورد.

جواد جلیلی راستی، گروهبان هنگ بجنود که در جمع اسیران مشهدی بوده، گفته است: «ما موارن روسی با ما بدرفتاری نمی‌کردند. اما غذایشان اصلاً مناسب نبود. بعضی اوقات در نیمه‌های شب، عده‌ای را برای بازجویی می‌بردند و بعد برمی‌گرداندند.» این بازجویی‌های شبانه همیشگی، همراه با بلاتکلیفی، فشارروانی قابل توجهی بر زندانیان وارد می‌کرد اما دیگر شرایط زندان چندی

درباره بنایی باستانی که همچنان داستانش کامل نشده است

معبدی برای آب



نقاشی فلاندن از کنگاور اوایل دوره قاجار

هادی دقیقاً پشت بیشتر بناهای معروف باستانی داستانی وجود دارد که رفته‌رفته شکل گرفته و آدم‌ها در هر جای زمان، کمی به آن افزوده و آن را به نسل بعد سپرده‌اند. معبد آناهیتا در شهرستان کنگاور استان کرمانشاه همان جایی است که از دیرباز تصور می‌شد بنایی مربوط به دوره ساسانی یا زمان سلوکیان و حضور یونانیان در ایران است. دلیلش هم شباهت جاگیری ستون‌های فراوان معبد آناهیتا با معبد یارتئون یونان و پانتئون رم و... است. با وجود این، از زمانی که علم باستان‌شناسی در این سرزمین جا باز کرد و یافته‌های گمانه‌زنی علمی جای گمان عمومی را گرفت، تاریخ بسیار روشن‌تر شد. کنگاور هم بیرون از این قاعده نبود. معبد آناهیتی کنگاور شهریور ۱۳۱۰ به‌عنوان اثری فرهنگی تاریخی در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفته است.

کنگاور شهری کوچک است که تقریباً در نقطه شروع تراکم ارتفاع زاگرس قرار دارد. از کنگاور هرچه به سمت کرمانشاه برویم، زاگرس بلندتر و خشن‌تر می‌شود، اما از این سوا تا همدان تقریباً ارتفاعات همان است و رفته‌رفته به دشت ختم می‌شود. پس معبد آناهیتی کنگاور رسماً در دل زاگرس ساخته شده است. وسط شهر کنگاور فقط یک زمین بزرگ خالی وجود دارد و آن هم محوطه معبد آناهیتاست. دورتادور این معبد پر از ستون‌های سنگی گرد صیقل خورده بوده است. اما امروز به جز نمایی از ستون‌ها که شناسه معبد است، همگی شکسته شده و در جای جای این زمین بزرگ افتاده‌اند. وضعیت به‌گونه‌ای است امروز روی این زمین باستانی پر از سنگ‌هایی است که روزگاری هر کدامشان بخشی از بنای معبد را سرپا نگه می‌داشته‌اند.

- ناهید مهر

در متون سده‌های میانی اسلامی از معبد آناهیتی کنگاور با‌عنوان قصر خسروپرویز یاد شده است. قصرالصوص هم نام دیگری است که به آن می‌دهند. یاقوت حموی در «معجم البلدان» آورده است: «هنگامی که نپاوند تسخیر شد و سپاه مسلمین به طرف نپاوند می‌رفت، در کنگور [کنگاور] فرود آمد. ساکنان قصری که در آنجاست، چهارپایانی از سپاه اعراب دردیدند و اعراب بدان جاقصراللصوص نام نهادند.» با وجود این، تصور عمومی این بود که این بنا مربوط به خسروپرویز ساسانی است. حتی از آنجایی که سنگ‌ها به‌ویژه ستون‌های سنگی معبد آناهیتا شبیه معماری یونانی بود، برخی آن را به دوره حضور یونانیان در ایران نسبت می‌دادند. آنچه اکنون از تاریخ این معبد می‌دانیم، بی آن‌را به دوره اشکانی می‌رساند. سابقه وجود معابد آناهیتا بر اساس متون میخی موجود، به اردشیر دوم هخامنشی و سال ۴۰۴ پیش از میلاد برمی‌گردد، جایی که او در چند کتیبه از اهورامزدا، آناهیت و میترا نام می‌برد.اهمیت ناهید در زمان اشکانیان بیشتر می‌شود. در این دوره تقریباً پانصدساله، آثار جایگاه‌های پرستش ناهید و مهر (آناهیتا و میترا) در سراسر قلمرو پارتیان مشاهده شده و امروز هم برخی از آن‌ها کشف شده است. در اوایل دوره قاجار و در دوره محمدشاه، فلاندن و کوست، هر دو نقاش و معمار، به ایران سفر می‌کنند و از بسیاری از بناهای تاریخی نقاشی می‌کشند و نقشه آن‌ها را پیاده می‌کنند. این دو گردشگر به معبد آناهیتی کنگاور هم سر می‌زنند، اما ظاهراً ساخت‌وساز بی حد روی معبد مانع می‌شود که نقشه آن را کامل ببیرون کشند. با همه این‌ها، آن‌ها معبد آناهیتی کنگاور را با معبد پالمیرای سوریه که اثری پارتی یونانی است مقایسه می‌کنند و همین می‌شود اساس تفسیرهای پژوهشگران بعدی. معبد زیبایی پالمیرا در کنار شهر تدمر سوریه قرار دارد و چند سال پیش، داعش بخش بزرگی از آن را ویران و غارت کرد.

- معماری ایرانی پیش از اسلام



معبد آناهیتا بر پشته‌ای سنگی ساخته شده است که بلندترین بخش آن پانزده متر ارتفاع دارد. از آنجاکه دیوار جنوبی معبد کم ارتفاع‌تر و به آن سمت شیب است، باستان‌شناسان احتمال داده‌اند که فضای داخلی آن پلکانی بوده است. سیفا... کامیخسر، ف باستان‌شناسی که از سال ۱۳۴۷ چند فصل در این معبد حفاری کرده است، در جنوب شرق معبد به پلکانی دوطرفه برمی‌خورد که توضیحش به قلم خودش خواندنی است: «ورودی بنای ناهید کنگاور با این نمونه پلکان دوطرفه آن چنان باشکوه و مجلل است و حجاری پله‌ها چنان ماهرانه و استادانه از کار درآمد است که انسان می‌خواهد تصور کند حجار این‌ها و پلکان تخت جمشید یک نفر بوده است.»

نتیجه کاوش‌های این معبد، لایه‌های دوره اسلامی و حتی لوله‌کشی آب وفاضلاب را در این دوره نشان می‌دهد که احتمالاً مربوط به حمای از دوره سلجوقی بوده است. کلمه‌هایی از دوره ساسانی پشت و روی برخی سنگ‌های تراش خورده دیده می‌شود که باستان‌شناسان آن را دلیل بازسازی معبد می‌گیرند، یعنی معبد از دوره اشکانی برقرار بوده و در این دوره مرمت شده است. بیشترین آثار مربوط به دوره اشکانی است که از روی خاک بگر با پشته سنگی شروع می‌شود. از این دوره چند نوع قبر در اطراف معبد یافت شده است. در برخی از قبرها به جز اشیای داخل قبر، زیر مجموعه فرد سکهای از یادداشتان اشکانی یافت شده است. برخی‌ها نیز داخل تابوت یا خمره سفالی دفن شده‌اند که نسبت به قبلی‌ها جدیدتر و نشانه دگردیسی دفن اموات هستند. از آنجا که هیچ شواهدی از دوره سلوکی در کاوش‌ها یافت نشده و ستون‌های بی شمار معبد نیز حتی پیش از دوره یونانی (مثلاً در گوردخمه فخریکا در مهاباد مربوط به دوره ماد) در ایران یافت شده‌اند، پژوهشگران معماری معبد آناهیتا را ایرانی می‌دانند. حتی چند سطح بودن بنا نوعی ترکیب زیگوراتی یا پلکانی را تداعی می‌کند، یعنی چند صفه روی هم ساخته شده بوده که بالاترین و کوچک‌ترین صفه مربوط به بنای اصلی بوده است. با همه این‌ها، امروز بنای اصلی خیلی گنگ است. اما همین قدر می‌دانیم که یک صفه یا ستون‌های فراوان بوده که پلکانی دوطرفه مشابه بناهای تخت جمشید راه دسترسی آن بوده است. در گزارش گردشگران دوران اسلامی ایوان، عمارت کلاه‌فرنگی، کوشک و... هم آمده است، اما هنوز به‌درستی نمی‌دانیم که این‌ها بخشی از اصلی بنا بوده‌اند یا ملحقات دوره اسلامی و اینکه چه بلایی بر سر بنای اصلی آمده است. با همه این‌ها، شواهد و نقش‌های موجود روی سنگ تراشی‌های بنا می‌گوید احتمالاً اینجا معبد آناهیتا بوده است؛ ایزدبانوی هدایتگر و نگهبان آب‌های جهان.

کتاب «تاریخ لشکر خراسان، نوشته رامین زئاد
کتاب «قیام افسران خراسان، نوشته تفرشیان
روایت جواد جلیلی راستی
در کتاب «تاریخ معاصر مشهد، نوشته یوسف متولی حقیقی

قسمت اول این گزارش را که سوم شهریور ۱۳۰۵ منتشر شده در اینجا بخوانید

